



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم حضرت امام رضوان الله علیه در بحث ولایت فقیه می خواهد از احکام اسلام نتیجه بگیرد که باید ولایت فقیه درین باشد زیرا در احکام اسلام قوانینی معین شده و در ضمن طوری بیان شده اند که نیاز به مجری دارند که اگر مجری در بین نباشد آن قوانین بی اثر و بی نتیجه خواهند بود، حالا برای نمونه مقداری از کلام ایشان در کتاب ولایت فقیه را می خوانیم؛ احکام دفاع ملی از طرف دیگر احکامی که راجع به حفظ نظام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارند مثلاً: ﴿وَأَعِذُوا لَهُمْ مِمَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾^۱ امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش است، اگر مسلمانان به این حکم عمل کرده و با تشکیل حکومت اسلامی به تدارکات وسیع می پرداختند و به حال آماده باش کامل جنگی می بودند مشتی یهودی جرأت نمی کردند سرزمین های ما را اشغال کرده و مسجد اقصای ما را خراب کنند و آتش بزنند و مردم نتوانند به اقدام فوری برخیزند تمام اینها نتیجه این است که مسلمانان به اجراء حکم خدا بر نخواستند و تشکیل حکومت صالح و لایق ندادند، اگر حکومت کنندگان کشورهای اسلامی نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلامی بودند اختلافات را کنار می گذاشتند و دست از خرابکاری و تفرقه اندازی برمی داشتند و متحد می شدند و ید واحده می شدند در آن صورت مشتی یهودی بدبخت که عمال آمریکا و انگلیس و اجانب اند نمی توانستند این کارها را بکنند هرچند آمریکا و انگلیس پشتیبان آنها باشند این از بی عرضگی کسانی است که بر مردم مسلمان حکومت می کنند، آیه: ﴿وَأَعِذُوا لَهُمْ مِمَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾^۲ دستور می دهد تا حد امکان نیرومند و آماده باشید تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند ما متحد و نیرومند و آماده نبودیم که دستخوش تجاوزات بیگانه شده و می شویم و ظلم می بینیم.

^۱ سوره انفال، آیه ۶۰.

^۲ سوره انفال، آیه ۶۰.

بنده بعد از مطالعه این صفحه از فرمایشات امام رضوان الله علیه دیدم که یک نوشته ای از آقا موسی صدر رحمه الله دارم، ایشان در سخنرانی خودشان نقل کردند و یادی از فعالیت های علامه شرف الدین کردند و گفتند مرحوم شرف الدین با آن همه کتابهای عالی و ذی قیمتی که برای معرفی شیعه و اهل بیت علیهم السلام نوشت وقتی که وضع شیعه را در لبنان مشاهده کرد و دید که فقیرترین و جاهل ترین و زیر دست ترین مردم همان شیعیان لبنان هستند و در میان آنها یک استاد و یا مهندس و یا طبیب پیدا نمی شود و یا کمتر پیدا می شود در عوض هرچه حبال و حمامی و کیسه کش کتاس همه شیعه هستند! لذا با خود فکر کرد که با این وضع موجود کتابهای من چه اثری می تواند داشته باشد مردم خواهند گفت که اگر تشیع مذهب خوب و نجات دهنده است باید شیعیان وضع بهتری داشته باشند، این بود که به فکر فعالیتهای عملی مثل تاسیس مدارس و آموزشگاه ها و انجمن های خیریه افتاد و بالاخره جامعه شیعه را در لبنان بالا برد.

بنده خودم وقتی که نماینده امام رضوان الله علیه در اروپا بودم می دیدم که در انگلستان و یا فرانسه پست ترین کارها به عهده مسلمانان بود ولی خودشان مقامات بسیار بالایی داشتند بنابراین در اسلام هم قوانین عالی وضع شده و هم اسلام می خواهد که مجری در بین مسلمانان باشد تا آن قوانین را عملی کند و در نتیجه مسلمانان سرپلند و سرافراز و قدرتمند باشند.

بحث ما در این بود که خداوند متعال برای ائمه علیهم السلام از نظر اقتصادی امکاناتی قرار داده است و امام رضوان الله علیه فرمودند وجود این امکانات دلیل بر این است که باید حکومتی باشد تا از این امکانات در راه تشکیل و ادامه آن حکومت استفاده شود، یکی از آن امکانات خمس است که مبلغ بسیار زیادی است و مسلماً خمس برای خود امام و یا وراثش نیست بلکه برای این است که آن را در راه تشکیل حکومت و مدیریت جامعه و امثال ذلک خرج کند.

در کتاب "اقتصادنا" تألیف سید محمد باقر صدر اعلی الله مقامه مطالب بسیاری در آن زمان درباره اقتصاد اسلامی و در مقابل اقتصاد کمونیست ها در شرق و سرمایه داران در غرب ذکر شده است، در اقتصاد کمونیستی فقط یک نوع ملکیت وجود دارد و همه چیز منقول و غیر منقول متعلق به دولت است حتی اگر کسی کار کند مزد او مال دولت است و در اقتصاد سوسیالیستی

گفته شده یک پنجم آن مال خدا و رسول است لذا در مورد این آیات بحث بوجود آمده هم بحث قرآنی و هم بحث روائی و هم بحث فقهی.

مطلب دیگر اینکه ما شیعیان از روایتمان استفاده می کنیم که کل انفال متعلق به امام است و آیه مذکور نیز همین را می گوید و در تفسیر برهان نیز ۴۴ روایت در تفسیر انفال ذکر شده اما سنی ها چیز دیگری می گویند.

بنده معتقدم ما همان طور که کتب فقه مقارن مثل خلاف شیخ طوسی و تذکره و منتهی علامه و معتبر محقق داریم باید کتب تفسیر مقارن نیز داشته باشیم که متأسفانه نداریم لذا آنها در تفسیر بر علیه ما خیلی مطلب دارند مثلاً آنها در تفاسیرشان ابوطالب را مشرک معرفی کرده اند و یا مثلاً ما می گوئیم مباحله مخصوص اهل بیت بوده و یکی از کرامات آنها می باشد اما آنها می گویند در همان مباحله عمر و ابوبکر و عثمان نیز فرزندانشان را آوردند! و یا مثلاً ما می گوئیم آیه تطهیر مخصوص اهل بیت است اما آنها دلیل می آورند که اینطور نیست و یا مثلاً ما می گوئیم: ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾^۳ اما (العیاذ بالله) می گویند علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام همین طور بود و خلاصه اینکه آنها در تفاسیرشان کلاً نقش اهل بیت را خیلی کم رنگ نشان می دهند و آیاتی که مربوط به اهل بیت علیهم السلام است را تحریف می کنند فلذا ما ناچاریم یک تفسیر مقارن بنویسیم اما متأسفانه چنین کتابی نداریم، در تاریخ نیز همین طور است و آنها می گویند شیعیان یک طائفه ای بودند که بعد از جنگ جمل و یا بعد از جنگ صفین بوجود آمدند و کلاً شیعه ناب محمدی و قضیه غدیر را کنار زده اند لذا ما به تاریخ مقارن نیز احتیاج داریم.

بحث انفال در تمام کتب فقهاء ما بعد از بحث خمس ذکر شده و ما نیز در روزهای بعد بحث انفال را مطرح خواهیم کرد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین

سرمایه داری نیز فقط یک نوع ملکیت یعنی ملکیت شخصی وجود دارد اما ایشان می فرماید اسلام سه جور ملکیت دارد؛ اول ملکیت شخصی است که هرکس از راه مشروع زحمت بکشد و چیزی بدست بیاورد مال خودش می باشد، دوم ملکیت ملی است یعنی مال عموم ملت مثل اراضی خراجیه، سوم ملکیت ولائی امام می باشد، حالا بحث ما در این است که خداوند متعال در قرآن و روایتمان برای امام یک امکانات اقتصادی فراوان و وسیعی قائل شده، خمس و زکات را عرض کردیم و حالا به سراغ "انفال" می رویم.

در مورد انفال بحث قرآنی تفسیری و بحث روائی و بحث فقهی وجود دارد و ما بحث را اینطور شروع می کنیم که در قرآن کریم سوره ای بنام انفال وجود دارد که اینطور آغاز شده: ﴿يَسْلُونَكُ عَنْ الْانْفَالِ قُلِ الْانْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳، از این آیه معلوم می شود که گفتگوهای فراوانی بوجود آمده بوده لذا قرآن کریم می فرماید: وَأَصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ، جریان این است که در جنگ بدر که اولین جنگ مسلمانان با کفار و بسیار مهم بود عده ای نزد پیغمبر آمدند و گفتند اگر ما جنگ کردیم و غنیمت گرفتیم غنائم مال چه کسی خواهد بود، برخی جوان هستند و در صدر و برخی پیر هستند و عقب و برخی در کنار پیغمبر و برخی دیگر در وسط میدان جنگ هستند و خلاصه بین افراد فرق وجود دارد لذا اگر غنیمتی بدست بیاوریم متعلق به همه بالسویه است یا نه، خلاصه گفتگوهای فراوانی در این رابطه وجود داشت که خداوند متعال با این آیات می خواهد به آن خاتمه بدهد.

نکته: انفال جمع نفل و به معنای زیادی است، یک چیزی اصل و چیز دیگر زیاده بر اصل می باشد، نمازهای یومیه که ما می خوانیم اصل است و نوافل زیاده بر اصل است لذا به او نافله می گوئیم، مالی که معین و برای شخص معینی است اصل می باشد اما مالی که برای شخص معینی نیست و باید در مورد آن تصمیم بگیرند انفال می باشد.

در همین سوره انفال یک آیه دیگری داریم که در آن گفته شده: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَإِلَٰئِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾^۴، در اول سوره گفته شد همه انفال مال خدا و رسول است اما در این آیه

^۳ سوره انفال، آیه ۱.

^۴ سوره انفال، آیه ۴۱.

^۵ سوره نساء آیه ۴۳.